

## رابطه زبان و جنسیت در رمان شب‌های تهران

\*یدالله بهمنی مطلق

\*\*بهزاد مرwoی

### چکیده

یکی از مسائل جدیدی که در رمان نیاز به بررسی و پژوهش دارد، رابطه زبان و جنسیت است. در این مقاله، که پژوهشی بیان‌شده‌ای است، پژوهندگان قصد دارند با تکیه بر مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی - بهویژه نظریه لیکاف- رابطه زبان و جنسیت را در رمان شب‌های تهران بررسی کنند تا از این رهگذر تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان رمان و میزان موقوفیتش در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها معلوم شود. برای این منظور زبان زنان و مردان رمان براساس متغیرهایی چون کاربرد زبان معیار، جملات آمرانه، قطع کلام، مکالمه‌های مشارکتی و رقابتی و درنهایت قاطعیت و انقیاد بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد زبان شخصیت‌ها تحت تأثیر جنسیت نویسنده است. معیارهای زبان زنانه با فراوانی بیشتری تکرار شده و نویسنده از بسیاری جهت‌ها توانسته است زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کند. عدم تناسب برخی متغیرها با معیارهای زبان‌شناختی، تاحدودی به گرایش‌های فمینیستی نویسنده مربوط است.

**کلیدواژه‌ها:** رمان، شب‌های تهران، زبان‌شناسی، زبان، جنسیت.

\* استادیار دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی y\_bahmani43m@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی b.marvi907@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۱

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۲، شماره ۷۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳

## مقدمه

مسئله زبان و جنسیت را اولین بار فمینیست‌های موج دوم مطرح کردند. انتقاد اصلی آنها بر مردسالاری جامعه و وجود تبعیض‌های اجتماعی بود. برهمین اساس یکی از عرصه‌های مهم مبارزه از نظر آنان زبان قلمداد می‌شد. آنها اعتقاد داشتند همه زبان‌ها به نحوی از نظر جنسیتی مردمدار هستند و همین تبعیض‌های زبانی باعث سرکوب زنان شده است. اعتراضات فمینیست‌ها بسیاری از زبان‌شناسان را به بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان ترغیب کرد و سبب شد به مقوله جنسیت که تا آن زمان مغفول مانده بود توجه ویژه‌ای شود. برای اولین بار رابین لیکاف (۱۹۷۵) با انتشار کتاب زبان و جایگاه زنان و چندین مقاله دیگر به صورت جدی و علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. او معتقد بود تفاوت قدرت در میان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر از یکسو و زنانی تابع و مطیع از یکسو دیگر می‌شود. در اجتماع به‌طور نسبی زنان پایگاه اجتماعی کمثبات‌تر و نقش‌های محدودتری دارند، این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتاب در خور ملاحظه‌ای دارد. در فرایند اجتماعی‌شدن زنان فرامی‌گیرند محجوب، مؤدب و کمره باشند و می‌آموزند که گفتار قاطعانه اصلاً شایسته یک زن نیست. براین اساس گرایش به استفاده از ساخته‌های زبانی که به نوعی عدم اطمینان از آن استنباط می‌شود در گفتار زنانه بیشتر است. اجتماع نیز از زنان رفتار صحیح‌تری انتظار دارد که این باعث شده است آنان خیلی کمتر از مردان از واژه‌های عامیانه و دشوازه‌های رکیک استفاده کنند. «دشوازه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آنها از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تقی می‌شود... برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که خود نشان‌دهنده بار منفی فرهنگی آنهاست» (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۹).

لیکاف از این سبک گفتار زنانه با عنوان "زبان ضعیف" یاد می‌کند و علت اصلی آن را تسلط مردان می‌داند و دلیل این تسلط را سلسله‌مراتب طبیعی جنسیت معرفی می‌کند. به نظر او زنان باید بتوانند حمایت نداشته اجتماعی را به‌سوی خود جلب کنند. به‌همین دلیل صفات دلنشیان بیشتری را به کار می‌گیرند، مؤدبانه حرف می‌زنند و ابهام اجتماعی خویش را در جملاتی سیال و تأویل‌پذیر از دیگران (نقل قول مستقیم) با عطف توجه به تکمیل آن از طرف دیگران (جملات ناتمام) بازتاب می‌دهند (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۲۲).

### پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات در این زمینه به اوایل دهه هفتاد میلادی برمی‌گردد. ساپیر<sup>۱</sup> (۱۹۲۹)، لباؤ<sup>۲</sup> (۱۹۷۲)، برنند<sup>۳</sup> (۱۹۷۵)، دوبوا<sup>۴</sup> و کراج<sup>۵</sup> (۱۹۷۵)، ترادگیل<sup>۶</sup> (۱۹۸۳)، بارون<sup>۷</sup> (۱۹۸۶) کامرون<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) و... از جمله پژوهشگران جهانی در این زمینه‌اند (دوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

عسگری (۱۳۷۵)، نوشین‌فر (۱۳۷۴)، بزرگ‌آق‌قلعه (۱۳۷۸)، فارسیان (۱۳۷۸)، جان‌نژاد (۱۳۸۰) و مدرسی (۱۳۸۷) نیز با تأثیف پایان‌نامه‌هایی، زوایایی از این موضوع را در زبان فارسی بررسی کرده و با استفاده از نظریات اندیشمندان جهان به معیارهایی کلی دست یافته‌اند. پژوهشگران دیگری چون نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، علی‌نژاد (۱۳۸۱)، بهمنی و باقری (۱۳۹۱) نیز درباب جنسیت در زبان مقالاتی نوشته و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا پخشیده‌اند.

نویسنده‌گان رمان برای اینکه بتوانند از زبانی مناسب با شخصیت قهرمانان خود استفاده کنند، باید کاملاً با ویژگی‌های خاص زبانی زنان و مردان آشنا باشند؛ به عبارت دیگر باید برای شخصیت‌های زن از زبانی زنانه و برای شخصیت‌های مرد از زبانی مردانه استفاده کنند (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱: ۴۵).

با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، به حوزه گفتاری زبان اختصاص دارد، در این مقاله می‌کوشیم به صورت عینی و براساس نظریه‌های زبان‌شناسی اجتماعی، با تکیه بر متغیرهایی چون کاربرد زبان معیار، جملات آمرانه، مکالمه‌های مشارکتی و رقابتی، قاطعیت و انقیاد رمان شب‌های تهران نوشتۀ غزاله علیزاده را برای دست‌یابی به میزان تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان داستان و ضریب موفقیتش در شکل‌دهی زبانی مناسب با جنسیت شخصیت‌ها بررسی کنیم و درنهایت نتایج به دست‌آمده را تحلیل و ارزیابی کنیم. ناگفته نماند که لیکاف و پینتون متغیرهای دیگری را نیز در این حوزه مطرح کرده‌اند که به دلیل طولانی‌شدن بیش از حد مقاله از پرداختن به آنها اجتناب کردیم. البته بررسی متغیرهای مذبور بسیاری از اختلافات بنیادین را در زبان زنانه و مردانه اثر تحت مطالعه روشن می‌سازد.

### نگاهی به زندگی غزاله علیزاده

غزاله علیزاده در ۲۷ بهمن ۱۳۲۵ از مادری شاعر و نویسنده در مشهد زاده شد. تحصیلات اولیه را در دبیرستان علوم انسانی مهستی به پایان برد. سپس برای ادامه تحصیل به تهران

آمد و در رشته علوم سیاسی لیسانس گرفت و مدت‌ها بعد به پاریس رفت و در دانشگاه سورین در رشته فلسفه و سینما تحصیل کرد (امین، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

در دهه چهل و پنجاه که کار قصه‌نویسی به اوج شکوفایی خود رسیده بود، او نیز یکی از بهترین زنان نویسنده آن زمان بود و یکی از آغازکنندگان جریان داستان‌نویسی زنان در ایران به‌شمار می‌آمد. فعالیت ادبی‌اش را در دهه چهل با چاپ داستان‌هایش در مجله‌ها و مطبوعات زادگاهش آغاز کرد. در نیمة دوم دهه چهل نخستین داستانش در روزنامه خراسان منتشر شد. در ۱۳۵۵ اولین مجموعه آثارش به نام سفر ناگذشتی و در سال بعد داستان بلند بعد از تابستان را به چاپ رساند. او رمان دو منظره را در سال ۱۳۶۳ و مجموعه چهارراه را در ۱۳۷۳ نوشت.

رمان خانه‌ادریسی‌ها که بین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۱ نوشته شد، تصویر برخورد و درآمیختن دو طبقه اشراف و مردم عادی است که انقلاب باعث ازبین‌رفتن مرز بین آنها شده است. داستان گاهی به سرعت و گاهی به کندی پیش می‌رود و ساختار داستانی‌اش بسیار محکم بنا شده است (یزدانی‌خرم، ۱۳۸۸: ۳۴).

رمان شب‌های تهران روایت دو گروه اشراف‌زاده و تازه‌به‌دوران‌رسیده جامعه است که هردو از رفاه و ثروت برخوردارند. اشراف‌زاده‌ها با اصالت و پایبند به اصول اخلاقی و تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها با پول‌پرستی و حرص و... نشان داده شده‌اند. این رمان در ششصد صفحه سال‌های آخر دهه چهل و پنجاه را در تهران نشان می‌دهد.

علیزاده دوبار ازدواج کرد که هردوبار به جدایی منجر شد. زندگی‌اش دیری نپایید و سرانجام به سبب بیماری سرطان بدرود حیات گفت و در روز دوشنبه ۱۳۷۵/۲/۲۴ در گورستان هنرمندان در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد (تولسلی، ۱۳۸۵: ۸۷).

### **زبان زنان و مردان در رمان شب‌های تهران از نظر زبان‌شناسی**

در این مقاله اختلافات زبانی شخصیت‌های زن و مرد در رمان شب‌های تهران از نظر زبان‌شناسی بررسی می‌شود. برای دست‌یابی به این منظور، ابتدا یافته‌های پژوهش‌های پیشین، چه در زبان فارسی و چه در زبان انگلیسی، آورده می‌شود؛ سپس داده‌های به دست آمده از متن رمان با نظریات زبان‌شناسی مطابقت داده می‌شود. درنهایت با توجه به میزان مطابقت زبان شخصیت‌های رمان با معیارهای زبان مردانه و زنانه موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ارزیابی می‌گردد.

### کاربرد زبان معيار، عامیانه و محافظه‌کارانه

تمام زبان‌ها دارای شکل معيار هستند که نسبت به دیگر گونه‌های آنها از وجهه و اعتبار بیشتری برخوردار است. شکل معيار هر زبان در کتاب‌ها، رسانه‌ها، روزنامه‌ها، مطبوعات... به کار می‌رود. در مقابل زبان معيار، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف، متعلق به طبقات اجتماعی یا گروه‌های قومی و فرهنگی وجود دارد که استفاده از آن منحصر به همان طبقه یا گروه خاص است. کاربرد این صورت‌های عامیانه از طرف افراد جامعه به نوعی بر عقب‌ماندگی آنها حمل می‌شود. بنابراین خودبه‌خود افرادی که منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند، برای کسب جایگاه والای اجتماعی به زبان معيار که از وجهه بالاتری برخوردار است تقرب می‌جویند. به نظر زبان‌شناسان اجتماعی، ازانجاكه در بیشتر جوامع، زنان در مقایسه با مردان جایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند و از آنان رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری انتظار می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز نه تنها با مردان متفاوت است، بلکه به‌طورکلی از نظر اجتماعی از شکل‌های بهتر یا صحیح‌تری برخوردار است.

حساسیت زنان در کاربرد شکل‌های معيار زبان سبب شده است که آنها رفتار زبانی محافظه‌کارتری داشته باشند و از صورت‌های جدید یا غیرمعتبر که به نوعی با طبقات پایین جامعه ارتباط دارد کمتر استفاده کنند؛ در حالی که مردان در استفاده از صورت‌های غیرمعتبر، کمتر محافظه‌کاری نشان می‌دهند. بنابراین مردان در به‌کارگیری و گسترش بدعت‌ها یا ویژگی‌های زبانی غیرمعتبر به‌طورکلی پیشرو هستند و بر عکس حساسیت بیشتر زنان به رفتار زبانی خود، آنان را پیشرو گسترش ویژگی‌های معتبر زبانی ساخته است (نوشین‌فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶). ترادگیل درباره استفاده گویشوران زن از صورت‌های بهتر و درست‌تر زبان می‌نویسد:

اولاً طبق مطالعات جامعه‌شنختی، زنان بیش از مردان نسبت به مقام و منزلت خود آگاه هستند، به‌همین دلیل آنها نسبت به اهمیت اجتماعی متغیرهای زبانی مربوط به طبقه اجتماعی حساس‌تر هستند، ثانياً گفتار طبقه کارگر که تداعی کننده زمختی است و یک خصیصه مردانه محسوب می‌شود و مفهوم مردانگی با آن هم‌خوانی بیشتری دارد، مردان را وامی‌دارد بیش از زنان به صورت‌های غیرمعیار تمایل داشته باشند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۱۵). او معتقد است پایین‌بودن قدر و منزلت اجتماعی زنان در اجتماع و اینکه جامعه به آنها اجازه نمی‌دهد از طریق فعالیت اقتصادی و ورود به بازار کار برای خود شأن و منزلت اجتماعی ایجاد کنند، باعث می‌شود آنها از منابع نمادین شامل چهره و زبان برای بالابدن جایگاه اجتماعی خود استفاده کنند.

در این پژوهش برای سنجش زبان معیار و محافظه‌کارانه، دو متغیر دشوازه‌ها و کلمات و ضربالمثل‌های عامیانه را در رمان بررسی کرده‌ایم. مسلماً پایین‌بودن میزان کاربرد این متغیرها، هنگارین و محافظه‌کاربودن زبان را نشان می‌دهد.

در پژوهش‌های پیشین ثابت شده است که با دنظرگرفتن عواملی نظیر طبقه اجتماعی، گروه نژادی و سنی، زنان پیوسته صورت‌هایی را به کار می‌برند که بیش از صورت‌های مورد استفاده مردان به گونه معیار نزدیکی دارد. پژوهش مدرسی (۱۳۶۸) نشان می‌دهد در فارسی تهرانی، زنان بیشتر صورت‌های تلفظی معیار را به کار می‌برند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۶). پژوهش جان‌نژاد (۱۳۸۰) نیز کاربرد بیشتر دشوازه‌ها را از جانب گویشوران مرد تأیید کرده است (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۶). بنابراین انتظار می‌رود در رمان تحت مطالعه، زبان زنان در قیاس با زبان مردان به گونه معیار نزدیک‌تر و محافظه‌کارتر باشد.

### نمونه‌هایی از واژه‌های عامیانه

[شیرزاد]—رفت پیش یک جلنیز ولی دوباره برگشت (علیزاده، ۱۳۸۴: ۳۳).

[امادربزرگ]—چرا شبیه بیغوش سر زیر بال کردہ‌ای؟ (همان: ۲۰۵).

[امادر نسترن]—ای کاش از این احمق هیچ زاد و رو دی پیدا نمی‌کرد (همان: ۲۹۲).

[بهزاد]—مادربزرگم یک تلک‌پلکی برای من گذاشته، با اینکه لايقش نبودم (همان: ۵۰۴)

....

### نمونه‌هایی از دشوازه‌ها

غیرکیک:

[پسر]—باز سرخر آوردی؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹).

[شیرزاد]—خفه شو مگر روس‌ها آدماند (همان: ۲۵).

[افرخ]—بیکار و مفت‌خور نیستند که شر و ور ببافتند؟ (همان: ۲۷).

رکیک:

[مرد]—وقتی من مردم شما هم بیایید یک شکم سیر سر قبرم [...] (همان: ۲۱).

[شیرزاد]—چرا نمی‌دهید این پلکان [...] حرام را تعمیر کنند؟ (همان: ۴۷۱).

جدول ۱. مقایسه زبان معیار و محافظه‌کار در شب‌های تهران

كل	زن	مرد	جنسیت	
			متغیرها	كلمات عامیانه
۸	۳	۵		ضرب المثل‌های عامیانه
۰	۰	۰		دشوازه‌ها
۷۱	۸	۶۳		

نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد، مردان ۶۲/۵ درصد از صورت‌های عامیانه و ۷۳/۸۸ درصد از دشوازه‌ها و زنان ۳۷/۵ درصد از صورت‌های عامیانه و ۲۷/۱۱ درصد از دشوازه‌ها استفاده کرده‌اند که با یافته‌های زبان‌شناسی جنسیت هم خوانی دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد شخصیت‌های رمان غالباً از زبان معیار استفاده کرده‌اند و بهندرت صورت‌های عامیانه گفتاری را به کار برده‌اند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند این باشد که تمام شخصیت‌های رمان متعلق به طبقات اجتماعی بالا و مرفه جامعه و دارای تحصیلات عالی هستند؛ شخصیت‌های اصلی داستان همگی سطح تحصیلات بالایی دارند، برای مثال بهزاد در امریکا نقاشی خوانده، مادریزگ یا همان خانم نجم یکی از مالکان و اشراف‌زادگان و اکبر شیرزاد روش‌فکری انقلابی است.

باید گفت زبان رمان از حیث معیار و محافظه‌کاریودن، در حد مقبولی به درستی و مطابق با کلیشه‌های زبان‌شناسی مردانه و زنانه ایجاد شده و کار نویسنده از این نظر موفقیت‌آمیز بوده است. از طرف دیگر، روح زنانگی بر زبان داستان حاکم است؛ دلیل این موضوع، همان‌طور که بسیاری از زبان‌شناسان نیز اعتقاد دارند، گرایش ذاتی زنان به رعایت ادب در رفتارهای اجتماعی است و رفتار زبانی هم به عنوان رفتاری اجتماعی از این قاعده مستثنای نیست. زنان به جای استفاده از دشوازه‌های رکیک و خیلی رکیک - که از ویژگی‌های زبان مردانه قلمداد می‌شود - کلمات نه‌چندان زشت و بی‌ادب‌انه را در موقع لزوم به کار می‌برند. دقت در دشوازه‌های داستان ثابت می‌کند که اکثر دشوازه‌های زنان همان کلمات غیر رکیک مانند: احمق، نادان و... است. علاوه‌بر این کاربرد کلمات عامیانه در داستان بسیار اندک است، که به روشنی تأثیر جنسیت نویسنده را در زبان داستان مشخص می‌سازد.

## ۲. زبان آمرانه

زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمند و آمر، و زبان زنانه را حمایت‌طلب و مشارکت‌گرا توصیف می‌کنند. آنها معتقدند مردان در گروه‌هایی قرار دارند که به صورت سلسله‌مراتبی

سازمان یافته است و رئیس یا رهبر گروه برای اثبات قدرتش بر گروه و کنترل آن، از صورت‌های قوی دستوری استفاده می‌کند. علاوه بر این، مردان غالباً سلطه‌طلب و در مکالمات در پی غلبه بر هم صحبت و نشان دادن برتری خود هستند. این باعث می‌شود آنان بیشتر از صورت‌های آمرانه زبان استفاده کنند؛ اما سازمان گروه‌های زنانه غیرسلسله‌مراتبی و مبتنی بر مشارکت و تشریک جمعی است. زنان در مکالمه‌ها در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان به جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیشتر منظورشان را به طور پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح کنند.

دستورهای مردانه که مستقیم بیان می‌شود و با تحکم شدید همراه است، امر تشدیدی و دستورهای زنانه که بیشتر به صورت پیشنهادی و غیرمستقیم مطرح می‌شود، امر تعدیلی نام‌گذاری شده است؛ مثلاً جمله «برگرد خانه» امر تشدیدی و جمله «اگر موافق باشی برگردیم خانه» نمونه تعدیل شده و محترمانه آن است.

مطالعات زبان و جنسیت نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان از صورت‌های آمرانه استفاده می‌کنند. تحقیقات و پژوهش‌هایی که در جامعه زبان انگلیسی درباره کودکان دختر و پسر (گودوین،<sup>۹</sup> ۱۹۹۰)، پدر و مادر (انگل،<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۸) و پزشکان مرد و زن (وست،<sup>۱۱</sup> ۱۹۹۰) صورت گرفته است همگی مؤید این مدعای است (خسرو نژاد، ۲۰۰۷: ۱۹).

پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده است نیز استفاده بیشتر مردان از صورت‌های آمرانه را تأیید کرده است. پژوهش جان نژاد نشان می‌دهد که گویشوران مرد به میزان ۷۷/۵ درصد و زنان ۲۲/۵ درصد در مکالماتشان از کلام آمرانه استفاده می‌کنند (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۵). بنابراین انتظار می‌رود با توجه به تحقیقات زبان‌شناسان میزان استفاده مردان از کلام آمرانه به‌ویژه امر تشدیدی در رمان مورد نظر بیشتر از زنان باشد.

### نمونه‌هایی از جملات آمرانه در رمان

#### امر تشدیدی:

[افزین]- خودت برو، چون خانم پیر او را به ما سپرده (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۶).

[مرد]- بیا جلو ببینم (همان: ۲۰).

[فرخ]- چیزی به جز شعر خودش حفظ نیست، برای دوستانمان بخوان (همان: ۲۸).

[شیرزاد]- فرزین بیا و کیف مرا بیاور (همان: ۳۰).

#### امر تعدیلی:

[انسترن]- باید برگردیم (همان: ۱۶).

[آسیه]— بیا برویم با هم او را ببینیم (همان: ۳۰۶).

[اسکویی]— پس اگر موفق باشید سری به ده بزنیم (همان: ۳۶۲).

[بهزاد]— من حاضرم، برویم باغ را هم ببینیم (همان: ۳۷۱).

جدول ۲. مقایسه دستورها و کلام آمرانه در رمان شب‌های تهران

امر تعدیلی			امر تشدیدی			نوع امر	
کل	زن	مرد	زن	مرد	جنسیت		
۶۵	۷	۱۳	۷	۳۸	رامان		
					شب‌های تهران		

داده‌های مربوط به کاربرد کلام آمرانه در این رمان نشان می‌دهد، کاربرد صورت‌های آمرانه مردان ۷۸/۴۶ درصد و از آن زنان ۲۱/۵۴ درصد بوده است که از این میزان کاربرد جملات آمرانه تشدیدی مردان ۸۴/۴۴ درصد و از آن زنان ۳۵ درصد و میزان کاربرد جملات تعدیلی مردان ۱۵/۴۶ درصد و جملات تعدیلی زنان ۶۵ درصد بوده است. البته امرهای مستقیم زنان نیز گاه با لحن درخواست و تشویق همراه است.

مقایسه نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، کاربرد صورت‌های آمرانه در زبان مردان با ۵۱ مورد، نسبت به زبان زنان با ۱۴ مورد، به میزان درخور توجهی (حدود ۴ برابر) بیشتر است. برای اساس اختلاف بین شخصیت‌های مذکور و مؤنث در کاربرد زبان آمرانه معنادار و با کلیشه‌های زبان‌شناسی سازگار است. این می‌تواند ناشی از دلایل پرشماری باشد: اول اینکه زنان دارای زبانی کاملاً مؤدبانه هستند – که کاربرد کم دشوازه‌ها و کلمات عامیانه به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند – و همین التزام به صورت‌های مؤدبانه، آنها را بر آن داشته است تا کمتر از صورت‌های آمرانه به خصوص صورت‌های آمرانه تشدیدی استفاده کنند. از طرف دیگر کاربرد زبان آمرانه در بین مردان خیلی بیشتر از زنان است که دلیل آن را باید در شخصیت سلطه‌طلب مردان جستجو کرد. در بیشتر مکالمه‌ها، مردان به شدت سلطه‌طلب و رقابت‌گرا هستند. وجود بحث و جدل‌های طولانی که موضوع مکالمه‌های بیشتر فصول رمان را به خود اختصاص داده و کاربرد دشوازه‌های بیشتر در محاوره‌های آنان، به روشنی این سلطه‌طلبی را نشان می‌دهد.

در پایان باید گفت نویسنده به خوبی از عهده ایجاد زبان آمرانه برای شخصیت‌های رمان، مطابق با جنسیت آنها، برآمده است. شخصیت‌های زن در مکالمه‌ها مؤدب و مشارکت‌گرا هستند و بهندرت از دستورها و جملات آمرانه استفاده می‌کنند و بر عکس مردان به شدت سلطه‌طلب و رقابت‌گرا هستند و غالباً جملات آمرانه مخصوصاً دستورهای

تشدیدی را به کار می‌برند. بنابراین نویسنده در ایجاد زبان متناسب با شخصیت‌های زن و مرد موفق بوده است.

### ۳. قطع کلام

پژوهشگران بارها دریافته‌اند که مردان به گونهٔ درخور ملاحظه‌ای بیشتر صحبت زنان را قطع می‌کنند. در مقابل، زنان خیلی کمتر سخن مردان را قطع می‌کنند. درحالی‌که زنان تقریباً به همان اندازه که مردان صحبت همیگر را قطع می‌کنند، صحبت هم‌جنسان خود را قطع می‌کنند؛ ولی بهندرت پیش می‌آید که در محاوره‌های مختلف، صحبت مردان را قطع کنند. تفسیر معمولی که دانشمندان طرفدار حقوق زنان ارائه داده‌اند این است که قطع کلام نشانهٔ قدرت و سلطه است؛ یعنی فرد قطع کنندهٔ کلام، قصد به دست گرفتن کنترل مکالمه را دارد. پس تفاوت جنسیتی به منزلهٔ این است که مردان قدرت و سلطهٔ خود را بر زنان اعمال می‌کنند. یافته‌های اسمیت لوین و براودی (۱۹۸۹) مبنی بر اینکه مردان با اظهار نظرهای حمایتی صحبت مردان دیگر را قطع می‌کنند، درحالی‌که سخن زنان را با نکات خنثی یا مخالفت‌آمیز قطع می‌کنند، فرضیهٔ اعمال قدرت مردان بر زنان را تأیید می‌کند (بل و همکاران، ۲۰۰۶: ۵).

قطع کلام همیشه منفی و نامطلوب قلمداد نمی‌شود و همیشه معیاری برای ارزیابی سلطه‌گری و حاکمیت در تعامل نیست. برخی قطع کلام‌ها به جهت هم‌پوشی و حمایت از گفتار گوینده انجام می‌شود که نه تنها نشانهٔ سلطه‌گری نیست، بلکه به قصد تأیید سخنان گوینده صورت می‌گیرد. پس می‌توانیم دو نوع قطع کلام را بپذیریم: ۱. قطع کلام سلطه‌گر ایانه ۲. قطع کلام حمایتی. تانن (۱۹۹۴) معتقد است هم گفتاری یا قطع کلام حمایتی می‌تواند نشان‌دهندهٔ مشتاق و علاقه‌مندی‌بودن فرد به ادامه گفت‌و‌گو باشد و اینکه مخاطب فعالانه موضوع را دنبال می‌کند. او در تحقیقات خود دریافت که این نوع قطع کلام بسیار رایج و معمول است و فعال‌بودن شنونده را نشان می‌دهد. زیرا هدف، گرفتن رشتۀ کلام از دست گوینده نیست. برای مثال، تصدیق‌گرها، قطع کلام حمایتی و هم‌پوشی گفتار تلقی می‌شوند. اظهار این نوع عبارات نشان‌دهندهٔ توجه و علاقهٔ شنونده به صحبت‌های جاری است. همچنین موقعي که شنونده انتهای جمله گوینده را پیش‌بینی و جملهٔ خود را هم‌زمان با آن آغاز می‌کند، نوعی قطع کلام هم گفتاری است و بیشتر نقش هم‌پوشانی کلام را دارد و نباید آن را قطع کلام در شمار آورد (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۶).

پژوهش‌های انجام‌شده در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که مردان خیلی بیشتر سخن زنان را قطع می‌کنند؛ برای مثال، کاندیس وست و دان زیمرمن (۱۹۷۵ - ۱۹۸۳) به تجزیه و تحلیل مکالمه‌های میان مردان و زنان پرداختند و نتیجه گرفتند که زنان در مقایسه با مردان از نظر برگرداندن موضوع صحبت، قطع کردن صحبت طرف مقابل و بهدست‌گرفتن رشتة کلام در موضع ضعیفتری قرار دارند. یکی از تحقیقات جالب توجه دیگری که در این‌باره صورت گرفته، بررسی مکالمه‌های میان پزشکان و بیمارانشان در جامعه انگلیسی است. این تحقیق نشان داد هرگاه پزشک مرد بود و بیمار زن، پزشک در اغلب موارد کلام بیمار را قطع می‌کرد و هنگامی که پزشک زن بود و بیمار مرد، بیمار در اغلب موارد کلام پزشک را قطع می‌کرد (ترادکیل، ۱۳۷۶: ۱۶۳). پژوهش‌هایی که در زبان فارسی درباره گفتار زنان و مردان انجام گرفته نیز تأیید‌کننده این فرضیه است. طبق پژوهش جان‌نژاد مردان در ۷۳/۷ درصد و زنان در ۲۶/۳ درصد موارد سخن هم صحبت خود را قطع می‌کنند. ۴۷/۳ درصد از قطع کلام‌های زنان حمایتی و ۵۲/۷ درصد آن سلطه‌گرایانه است، درحالی که ۶۹/۲ درصد قطع کلام‌های مردان سلطه‌گرایانه و ۳۰/۸ درصد دیگر آن حمایتی است (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۷)، بنابراین انتظار می‌رود در شب‌های تهران میزان قطع کلام‌ها مخصوصاً نوع سلطه‌گرایانه آن در بین شخصیت‌های مرد بیشتر باشد.

#### نمونه‌هایی از قطع کلام سلطه‌گرایانه

[اداود] - تنفرش خیلی هم واقعی نیست.

اکبر شیرزاد محض لجاجت گفت:

[شیرزاد] - البته واقعی است، من در دو چیز همیشه صادقم، دوست‌داشتن و تنفر (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۶).

[خانم آسوری] - یک روز هم با خانم نجم روی همین ایوان بودیم، شما قدم می‌زدید، گفتند: «زانت می‌دانی، یک دختر سرزنه و شاد مثل خانم نسترن مناسب بهزاد است». من جسارتاً حرف خانم را تأیید و تصدیق کردم.

مرد جمله او را ناتمام گذاشت:

[بهزاد] - بگذارید روشن کنم، من و نسترن دوستیم، مثل خواهر و برادر، با هم ازدواج نکردیم، حتی به فکرمان نرسیده، گاهی یک دوستی بی‌ریا از ازدواج بهتر است (همان: ۵۹۶).

### نمونه‌هایی از قطع کلام حمایتی

[شیرزاد]—سزان کدامشان بود؟ براش کتاب ننوشته‌اند؟

بهزاد جواب داد:

[بهزاد]—سزان فرانسوی بود (همان: ۲۶).

جدول ۳. مقایسه قطع کلام در رمان شب‌های تهران

حمایتی			سلطه‌گرانه			نوع قطع کلام	
کل	زن	مرد	زن	مرد	جنسیت	رمان	
۵	۰	۱	۰	۴			
شب‌های تهران							

داده‌های مربوط به قطع کلام‌ها در این رمان نشان می‌دهد زنان اصلاً سخن هم صحبت خود را قطع نکرده‌اند. ۸۰ درصد قطع کلام‌های مردان سلطه‌گرانه و ۲۰ درصد آن حمایتی بوده است.

مقایسه قطع کلام‌های این رمان با یافته‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد اختلاف بین شخصیت‌های زن و مرد معنادار است. در این رمان مردان شخصیتی سلطه‌گر و رقابت‌گرا دارند و در مکالمه‌ها بیشتر در پی غلبه بر مخاطب خود هستند. بحث و جدل‌هایی که در طول داستان بر سر موضوع‌های مختلف هنری، سیاسی و... بین مردان صورت گرفته، بهروش‌نی سلطه‌گر بودن آنها را نشان می‌دهد. ازطرف دیگر، شخصیت‌های زن در مکالمه‌هایشان بسیار مؤدب و تعامل‌گرا هستند، بهطوری‌که خیلی کم پیش می‌آید با دیگران مشاجره کنند یا از کلمات زشت و بی‌ادب‌انه استفاده کنند. با توجه به شواهد بهدست آمده از متن رمان باید گفت کاربرد قطع کلام‌ها در زبان شخصیت‌های داستان درست و دقیق است و نویسنده از این نظر در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های داستان موفق عمل کرده است.

### ۴. کلام رقابتی و مشارکتی

مفهوم از کلام رقابتی کلامی است که در آن گوینده تلاش می‌کند بر شریک صحبت خود غلبه کند، دانش و مهارت خویش به او نشان دهد و مکالمه را کنترل کند؛ درحالی که در کلام مشارکتی گوینده سعی دارد ارتباط را حفظ کند، آن را گسترش دهد و صمیمیت بیشتری با شریک صحبت خود برقرار کند.

زبان‌شناسان معتقدند مردان در مکالمه‌ها بسیار رقابت‌گرا هستند؛ زیرا در پی کنترل گفت‌و‌گو، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، نشان دادن دانش یا مهارت، کسب برتری در مکالمه، پاسخ‌دهی کمتر و به کاربردن شیوه‌های قطعی و آمرانه هستند. بنابراین بیشتر سخن هم صحبت خود را قطع می‌کنند و کمتر از تصدیق‌گرها، که نشانه توجه مثبت شوند به سخنان گوینده و تمایل او برای ادامه مکالمه است، استفاده می‌کنند. برای حفظ غلبه و تسلط خود بر طرف مقابل نیز، بیشتر از دستوردادن و صورت‌های آمرانه استفاده می‌کنند. اما برخلاف آنان، زنان در مکالمه بسیار مشارکت‌طلب و تعامل‌گرا هستند، زیرا هدفشان حفظ ارتباط، یکسان‌سازی تجارب، جلب حمایت طرف مقابل، پاسخ‌دهی و تفاهم بیشتر و کاربرد صورت‌های محتاطانه و با تردید است. آنها از گفتار عموماً برای توسعه، حفظ و نگهداری ارتباط بهره می‌گیرند و برای دست‌یابی به صمیمیت بیشتر تلاش می‌کنند؛ به همین دلیل غیبت‌کردن را بیشتر ترجیح می‌دهند. آنها کمتر سخن هم صحبت خود را قطع می‌کنند و بیشتر به سخنان طرف مقابل واکنش مثبت نشان می‌دهند (از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند) و برای حفظ و تداوم ارتباط بیشتر از جمله‌های پرسشی استفاده می‌کنند و کمتر مستقیماً از دیگران انتقاد می‌کنند.

پژوهش‌های انجام‌شده در زبان انگلیسی نیز تأیید‌کننده فرضیه رقابت‌گرایی مردان و مشارکت‌گرایی زنان در مکالمه‌هاست. تنان (۱۹۹۰) اظهار می‌کند که زنان برای ایجاد ارتباط و صمیمیت سخن می‌گویند و گوش می‌دهند، درحالی که مردان برای تعیین پایه، شأن و استقلال از زبان استفاده می‌کنند (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۸۶).

در این مقاله برای سنجش کلام رقابتی و مشارکتی، متغیرهایی چون دستورها و کلام آمرانه، قطع کلام‌ها، سؤالات و تصدیق‌گرها را بررسی کرده‌ایم. با توجه به اینکه مردان در مکالمه‌ها رقابت‌گرا هستند، انتظار می‌رود بیشتر از دستور و کلام آمرانه استفاده کنند و برای نشان دادن برتری خود، بیشتر سخن هم صحبت‌شان را قطع کنند و بر عکس زنان که در مکالمه‌ها تعامل‌گرا و مشارکت‌گرا هستند، انتظار می‌رود بیشتر از تصدیق‌گرها و سؤال استفاده کنند.

### نمونه‌هایی از مؤلفه‌های کلام رقابتی و مشارکتی

#### سؤالات:

[بهزاد] – حالا چه می‌کنند؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۶).

[مادربزرگ] – برای مهمانی چه فکری داری؟ (همان: ۷).

[بهزاد]- فکری نکرده‌ام، کی‌ها هستند؟ (همان: ۷).

[امادربزرگ]- خانواده شما درباره دوستانتان عقیده‌ای ندارند؟ (همان: ۱۲).

#### تصدیق‌گرها:

[بهزاد]- اصلاً مناسب من نیست، خیلی جوان است.

[امادربزرگ]- می‌فهمم تو پیر شده‌ای... (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸).

[امادربزرگ]- جمع این صفات خارج از تحمل یک فرد است.

همسر آقای پیر با صدای نازک گستته گفت:

[همسر مباشر مادربزرگ]- خانم درست می‌گوید، با اینکه بچه ندارم کتاب پرورش کودک زیاد خوانده‌ام (همان: ۱۳).

جدول ۴. مقایسه کلام رقابتی و مشارکتی در رمان شب‌های تهران

شب‌های تهران			رمان
کل	زن	مرد	جنسیت متغیرها
۳۲	۱۶	۱۶	تصدیق‌گرها
۳۸۰	۱۱۹	۲۶۱	صورت‌های سؤالی
۵	۰	۵	قطع کلام
۶۵	۱۴	۵۱	کلام آمرانه

مقایسه متغیرهای رقابتی، یعنی کلام آمرانه و قطع کلام‌ها در این رمان نشان می‌دهد فراوانی کاربرد دستور و کلام آمرانه در مکالمه‌های مردان ۷۸/۴۶ درصد و در کلام زنان ۲۱/۵۴ درصد و نسبت قطع کلام‌های مردان به زنان ۱۰۰ به صفر است. همچنین مقایسه صورت‌های مشارکتی یعنی تصدیق‌گرها و سوالات نشان می‌دهد کاربرد تصدیق‌گرها در زبان مردان و زنان، ۵۰ به ۵۰ و فراوانی استفاده از پرسش‌ها در زبان مردان ۶۸/۶۸ درصد و در زبان زنان ۳۱/۳۲ درصد بوده است.

نمونه‌ها نشان می‌دهد، صورت‌های رقابت‌گرا در مکالمه شخصیت‌های مرد و زن به درستی به کار رفته است. تعداد قطع کلام‌ها و دستورهای مردان به مراتب بیشتر از زنان است. اما شواهد به دست آمده از کاربرد تصدیق‌گرها در این رمان معنی‌دار نیست. با توجه به مقیدبودن شخصیت‌های زن این رمان به رعایت ادب در گفتار، انتظار می‌رفت میزان کاربرد تصدیق‌گرها در زبان زنان بیشتر باشد. همچنین میزان کاربرد صورت‌های سؤالی در مکالمه مردان خیلی بیشتر از زنان است که با معیارهای معمول زبان‌شناسی مطابقت ندارد و

از این‌منظور زبان شخصیت‌های رمان دچار نقص و اشکال به نظر می‌رسد. شاید دلیل این موضوع را بتوان در شخصیت نویسنده جست‌وجو کرد. نویسنده‌ای که در پرونده‌اش شکست‌های حاصل از ازدواج، بیماری و اقدام به خودکشی مشهود است، خواننده را به این قضاوت وامی دارد که او می‌خواهد به‌عمد دربرابر معیارهای پذیرفته‌شده حتی از طرف خودش نیز عصیان کند. علت کاربرد بیشتر صورت‌های پرسشی در مکالمه مردان، وجود مناظره‌های شخصیت‌های مرد است که محتوای بیشتر بخش‌های رمان را به خود اختصاص داده است.

نمونه‌ها نشان می‌دهد زبان شخصیت‌های مرد کاملاً رقابتی است و با توجه به نظر زبان‌شناسان گواه موفقیت نویسنده در این زمینه است، اما ویژگی‌های مشارکتی در زبان شخصیت‌های زن وجود ندارد، از این‌رو با توجه به مکالمات مؤدبانه آنان، نویسنده نتوانسته یا نخواسته است از زبانی تعامل‌گرا و متناسب با شخصیت آنها استفاده کند. البته نویسنده‌گان فرض دوم را بیشتر صادق می‌دانند.

##### ۵. قاطعیت و انقباض

از نظر لیکاف (۱۹۷۵) زبان مردانه قاطعانه، بزرگسالانه و مستقیم؛ و زبان زنانه نابالغ، خیلی رسمی و بیش از حد مؤدبانه و غیرقطاعانه است (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۸۸).

اریکسون، جانسون و آبار<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۸) در پژوهش‌هایی سبک‌های گفتار قدرتمندانه و ضعیف را بررسی و استدلال کرده‌اند که سبک‌های گفتاری با جایگاه و قدرت اجتماعی پیوند ووابستگی دارد. افراد دارای جایگاه پایین عموماً سبک‌های گفتاری ضعیف را به کار می‌برند که با تشدید‌کننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، درنگ‌ها، صورت‌های سؤالی (استفاده از لحن خیزان، صورت‌های سؤالی با استفاده از زیروبیم صدا)، صورت‌های خیلی مؤدبانه و دارای ژست و پرستیز بالا و اشاره در هنگام صحبت همراه است؛ درحالی‌که افراد دارای جایگاه بالای اجتماعی به ندرت شکل‌های ضعیف را به کار می‌برند. زنان از آنجاکه در اجتماع جایگاهی ضعیف دارند، از شکل‌های ضعیف زبانی استفاده می‌کنند و بالعکس صورت‌های مردانه، قاطع و قدرتمندانه است (غفارشمر و علی‌بخشی، ۲۰۰۷: ۶۰).

تانن (۱۹۹۰/۱۹۹۴) این پژوهش را دنبال و تأثیر اجتماعی‌شدن را بر زنان و مردان مطالعه کرد. او نشان داد زنان عموماً طبق احساس نیاز اولیه به ارتباط و مردان به‌دلیل احساس نیاز به جایگاه اجتماعی، اجتماعی می‌شوند. زنان برای برآورده کردن نیاز خویش به ارتباط با دیگران ایجاد صمیمیت می‌کنند، درحالی‌که مردان برای برآورده کردن

نیازشان به جایگاه اجتماعی، به فاصله‌گرفتن و مستقل شدن از دیگران دست می‌زنند. بنابراین زبان زنان مؤبدانه و زبان مردان برای کسب جایگاه بالاتر، قاطعانه و قدرتمندانه است (همان، ۲۰۰۷: ۶۱).

در این مبحث برای سنجش میزان انقیاد و قاطعیت در متون نوشتاری، متغیرهایی چون تشدیدکننده‌ها، تعديلکننده‌ها، نقل قول‌های مستقیم، پرسش‌های ضمیمه‌ای، جملات ناتمام و عذرخواهی‌ها را بررسی کردایم. مسلم است که هرقدر فراوانی استفاده از این متغیرها در مکالمه شخصیت‌های رمان بیشتر باشد، انقیاد زبانی آنها نیز بیشتر خواهد بود. از آنجاکه در جامعه ایرانی، زنان در جایگاه اجتماعی نسبتاً پایینی قرار دارند و تحت تسلط مردان زندگی می‌کنند و در بسیاری از جوانب از آنان به خصوص شوهران خود کسب شأن و منزلت می‌کنند، انتظار می‌رود میزان انقیاد و تبعیت آنها به مراتب بیشتر از مردان باشد.

### نمونه‌هایی از این مورد

#### تشدیدکننده‌ها:

[بهزاد]— قصد شما حتماً ترساندن من نیست (علیزاده، ۱۳۸۴: ۷).

[امادربرزگ]— برای سرگرمی‌شان راهی حتماً است (همان: ۱۳).

#### تعديلکننده‌ها:

[انسترن]— فکر کنم تو داری، خاله یک بلوز توری سیاه برایت آورده... (همان: ۲۹۷).

[امهران رامبد]— ... فکر می‌کنم زن یک کنت شد (همان: ۳۰۲).

#### پرسش‌های ضمیمه‌ای:

[خانم حکمت]— از سرشب می‌گفتم شبیه چی هستی، یک مرتبه فهمیدم، شکل رز صورتی، فکر نمی‌کنید؟ (همان: ۲۱۲).

[صاحب مسافرخانه]— گفتم که معتاد و خرابکار راه نمی‌دهیم، راه می‌دهیم؟ (همان: ۴۵۵).

#### نقل قول‌های مستقیم:

[اشیرزاد]— اوای زیبا، خانم خانم‌ها، در یک مصاحبه حرف قشنگی گفته، گفته «فقط سه تا مرد در زندگی ام بودند که قلب مرا شکستند» (همان: ۲۴).

[انسترن]— شنیده‌ام که شاه ظالمی بود؛ فرزندانش را کور کرد (همان: ۱۹۸).

#### جملات ناتمام:

[شاهوردی]— وقتی که خانم بودند... (همان: ۴۳۶).

[صاحب مسافرخانه]—اینجا ما آبرو داریم، از دور خرابکار را ببینیم می‌شناسیم، فوراً خبر می‌دهیم، این تلفن‌ها... (همان: ۴۵۵).

#### عذرخواهی‌ها:

[افزین]—حالا ببخش، چیزی نمی‌فهمند، مطالعه ندارند. (همان: ۳۰).

[شهوردی]—خیلی ببخشید، پرحرفی کردم... (همان: ۴۳۴).

جدول ۵. مقایسه قاطعیت و انقیاد در رمان شب‌های تهران

شب‌های تهران		رمان
زن	مرد	جنسیت
متغیرها		
۴۴	۸۰	تشدیدکننده‌ها
۱۷	۳۶	تعديلکننده‌ها
۸	۱۴	نقل قول‌های مستقیم
۳	۷	پرسش‌های ضمیمه‌ای
۲	۳	جملات ناتمام
۰	۹	عذرخواهی‌ها
۲۲۹	۳۴۷	کل

بررسی تشدیدکننده‌ها به عنوان یکی از صورت‌های ضعیف زبانی نشان می‌دهد فراوانی استفاده از آنها در زبان مردان، با  $64/51$  درصد، نسبت به زبان زنان، با  $35/49$  درصد، بیشتر است. بررسی صورت‌های ضعیف زبانی دیگر به این قرار است: فراوانی استفاده از تعديلکننده‌ها در زبان مردان با  $67/92$  درصد نسبت به زبان زنان با  $32/07$  درصد و نقل قول‌های مستقیم به ترتیب در مکالمه‌های مردان و زنان به نسبت  $63/63$  درصد به  $36/37$  درصد، پرسش‌های ضمیمه‌ای با نسبت  $70$  به  $30$  درصد، جمله‌های ناتمام با نسبت  $60$  به  $40$  درصد و درنهایت استفاده از عذرخواهی در مکالمه‌های مردان در قیاس با مکالمه‌های زنان با نسبت  $100$  به صفر بیشتر است.

بررسی صورت‌های ضعیف زبانی در مکالمه‌های شخصیت‌های این رمان نشان می‌دهد میزان استفاده از این صورت‌ها در زبان مردان بیشتر از زبان زنان است، در حالی که با توجه به مؤدبانه‌بودن زبان زنان و رقابت‌گرا و قاطعانه‌بودن زبان مردان، باید کاربرد صورت‌های ضعیف در مکالمه‌های زنان بیشتر از مردان باشد. براین اساس و با توجه به نظریات زبان‌شناسان، نویسنده نتوانسته یا نخواسته است زبانی قاطعانه برای شخصیت‌های مرد و زبانی غیرقطعانه برای شخصیت‌های زن ایجاد کند. ازین لحاظ مکالمه‌های رمان با نظر زبان‌شناسان مطابقت ندارد.

با اندکی دقت در روحیه علیزاده می‌توان دلیل کاربرد بیشتر صورت‌های ضعیف زبانی را در مکالمه‌های مردان فهمید. او از جمله نویسنده‌گان فمینیستی بود که در دهه چهل پا به عرصه نویسنده‌گی گذاشت و با هدف ارتقای جایگاه زنان و تفوق بر مردانهای حاکم بر اجتماع قلم زد؛ پر واضح است که نویسنده‌ای با روحیات زنانه سعی می‌کند قهرمانان زن داستان‌هایش را افرادی قوی و دارای شخصیتی محوری معرفی کند، نه صرفاً افرادی منفعل و دارای شخصیتی وابسته که در کتاب مردان معنا پیدا می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد او عمداً خواسته است شخصیت‌های زن داستانش را افرادی قاطع و قدرتمند معرفی کند تا فریادی خاموش در برابر مردانهای حاکم بر جامعه روزگارش سردهد.

### نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش نشان می‌دهد در رمان شب‌های تهران زنان غالباً از زبان رسمی و معیار بهره می‌برند؛ به طوری که به ندرت دشوازه‌ها و کلمات عامیانه در گفت‌وگوهایشان دیده می‌شود. از این‌گذشته، میزان استفاده مردان نیز از کلمات عامیانه بسیار اندک و برخلاف معیارهای زبان‌شناسی است که به نظر می‌رسد سطح سواد و طبقه اجتماعی شخصیت‌ها در آن دخیل بوده است. تحقیقات زبان‌شناسان فرضیه استفاده بیشتر مردان از دستورها و کلام آمرانه مخصوصاً امر تشیدی را تأیید می‌کند. یافته‌ها در این رمان گویای این مسئله است که تفاوت زنان و مردان در کاربرد دستورها و اوامر بسیار زیاد و مبین سلطه‌گری مردان است. همچنین نشان می‌دهد مردان بیشتر کلام زنان را قطع می‌کنند، اما اگر زنان نیز به ندرت به این کار اقدام کنند، بیشتر برای حمایت از گوینده است تا سلطه‌گری و غلبه بر او. در رمان شب‌های تهران زنان به رعایت ادب و نزاکت در مکالمه اهمیت بیشتری می‌دهند و هیچ‌گاه سخن‌هم‌صحبت خود را قطع نمی‌کنند، بنابراین زبان شخصیت‌های زن و مرد از نظر رقابتی و مشارکتی کاملاً بدرستی شکل گرفته است. مردان سهم بیشتری در قطع کلام و کلام آمرانه دارند و از نظر استفاده از تصدیق‌گرها با زنان مساوی هستند. زبان‌شناسان اجتماعی به خصوص افرادی مانند لیکاف معتقدند که مردان از زبانی قاطع‌انه استفاده می‌کنند، در مقابل زنان در گفتارشان منفعل و پیرو مردان هستند. در این مقاله برای این منظور تشیدی‌کننده‌ها، تعدیل کننده‌ها، صورت‌های سؤالی، نقل قول مستقیم، سؤالات ضمیمه‌ای، جملات ناتمام و عذرخواهی‌های شخصیت‌ها تجزیه و تحلیل شد. نتیجه اینکه سهم شخصیت‌های زن در کاربرد تشیدی‌گرها بیشتر است، اما متغیرهای دیگر به نفع شخصیت‌های مرد است. برای اساس در این مقاله فرضیه لیکاف درباره انقیاد زنان و

قاطعیت مردان تأیید نمی‌شود که دلیل اصلی آن را می‌توان در زندگی خصوصی و عوامل روحی و روانی نویسنده جست و جو کرد.

### پی‌نوشت

- 1.Sapir
- 2.Labov
- 3.Brand
- 4.Du Bois
- 5.Crouch
- 6.Trudgil
- 7.Baron
- 8.Cameron
- 9.Goodwin
- 10.Engle's
- 11.West
- 12.Erikson & Johnson & O'Barr

### منابع

- ارباب، سپیده (۱۳۹۱) «بررسی و طبقه‌بندی دشوازه‌های رایج فارسی در تداول عامه». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. سال دوم. شماره ۴: ۱۰۷-۱۲۴.
- امین، حسن (۱۳۸۴) /دبیات معاصر ایران. تهران: دایرة المعارف ایران‌شناسی.
- بهمنی‌مطلق، یادالله و نرگس باقری (۱۳۹۱) «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد». فصلنامه زن و فرهنگ. سال سوم. شماره ۱۱: ۴۳-۵۹.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶) زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگه.
- توسلی، ناهید (۱۳۸۵) «اختاپوس، به مناسب سومین سالمرگ غزاله علیزاده». نشریه آدینه. شماره ۸۶-۸۷: ۱۳۸.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰) «زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی؛ تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای». پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.
- داوری اردکانی، نگار و عطیه عیار (۱۳۸۷) «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی جنسیت». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. سال یازدهم. شماره ۴۲: ۱۶۲-۱۸۲.
- علیزاده، غزاله (۱۳۸۴) شب‌های تهران. چاپ چهارم. تهران: توسع.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸) جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی. تهران: گل‌آذین.
- نوشین‌فر، ویدا (۱۳۸۱) «زبان و جنسیت». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند. شماره ۲: ۱۸۱-۱۸۸.

بزدانی خرم، مهدی (۱۳۸۸) «آنها دنیا را از چشم خود دیدند: به مناسبت سالروز تولد صادق هدایت و غزاله علیزاده». نشریه چاچران: ۳۴-۳۵.

Courtney M. Bell & Philip M. McCarthy et al (2006) "Variations in Language Use across Gender: Biological versus Sociological Theories." In R. Sun & N. Miyake (Eds.) Proceedings of the 28th Annual Conference of the Cognitive Science Society (pp. 1009). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Khosronejad, Abdollah (2007) "The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories." Tarbiat Moallem University.

Nemati, Azadeh and Bayer, M. Jennifer (2007) "Gender differences in the use of linguistic forms in the speech of men and women-A comparative study of Persian and English". *Glossa* (ISSN 1931-7778), (3)1, pp: 185-201.

Reza Ghafar Samar & Goodarz Alibakhshi (2007) "The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication". *Linguistics Journal*, Volume 3, Issue 3, pp. 59-71.